

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

FOREIGN
AFFAIRS

بازی در زمین ایران



دنسین راس

مشاور سیاست‌خارجی
در دولت اوپاها

ایران قصد خود برای نابودی اسرائیل را پنهان نمی‌کند. استراتژی این کشور حفظ فشار دائمی بر اسرائیل و درگیر نمودن رژیم در درگیری‌های جاری در مرزهای خویش است. هر چند این مسئله کاملاً واضح است اما به نظر می‌رسد که رویکرد فعلی اسرائیل دقیقاً بازی کردن در زمین ایران است. آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر ایران مدت‌هاست بر این اعتقاد است که اگر اسرائیلی‌ها احساس کنند که دائماً از ناحیه تهدیدات نظامی تحت فشار هستند، این کشور را ترک خواهند کرد. آنچه برخی از آن به عنوان «حلقه آتش» به دور اسرائیل یاد می‌کنند براساس این مفروضه شکل گرفته است. خیلی مهم نیست که آیا آیت‌الله خامنه‌ای و سیدحسین نصرالله رهبر گروه حزب‌الله اشتباه می‌کنند یا نه. اسرائیلی‌ها حتی با وجود تمام اختلاف‌نظرهایشان نشان داده‌اند که برای کشورشان خواهند جنگید و در آن باقی خواهند ماند. آنچه مهم است این است که ایران و حزب‌الله چنین اعتقادی دارند و در حال طراحی استراتژی‌های نظامی خود بر این اساس هستند و دولت اسرائیل نیز در تله آنها گرفتار شده است.

سیدحسین نصرالله در سخنرانی ماه ژانویه خود اظهار داشت که اسرائیلی‌ها ریشه در این سرزمین ندارند و اگر تحت فشار قرار بگیرند از آن خواهند گریخت. آیت‌الله خامنه‌ای هم گفته «مهاجرت معکوس» پایان اسرائیل را رقم خواهد زد. براساس این منطق، دو رهبر معتقدند که استراتژی بلندمدت مناسبی که اتخاذ شده اسرائیل را وادار کرده تا در تمام جبهه‌ها بچنگد؛ یعنی در غزه، در مرز شمالی‌اش با لبنان و در کرانه باختری به‌ویژه با استفاده از سلاح‌ها، مواد منفجره و پولی که ایران به همه این جبهه‌ها تزریق می‌کند البته به این شرط که پای ایران مستقیماً به جنگ کشیده نشود و برای جمهوری اسلامی به‌بهایی هزینه کردن مهم‌ترین نیروی نیابتی‌اش، حزب‌الله تمام نشود. اگر هر گونه تردیدی درباره تمایل ایران برای اجتناب از جنگ تمام‌عیار وجود داشت، اکنون و پس از ترور فواد شکر، مرد شماره دو حزب‌الله لبنان و اسماعیل هنیه، رهبر سیاسی حماس دیگر شکی در این مسئله وجود ندارد. هر چند رهبران ایران و حزب‌الله تهدیدات خود مبنی بر تلافی ترورهای اسرائیل را عملی نکرده‌اند، اما قصد دارند اسرائیل را تحت فشار دائمی حفظ کنند و توان آن را از طریق جنگ‌های فرسایشی تحلیل ببرند. در واقع فروربردن اسرائیل در باتلاقی که برای آن از نظر نظامی هزینه‌زاست و تل‌آویو را از نظر سیاسی در عرصه جهانی منزوی می‌سازد، هدف محوری استراتژی ایران است. همانطور که آیت‌الله خامنه‌ای در ماه مارس استدلال کرد، اسرائیل «از یک بحران رنج می‌برد» زیرا «ورود رژیم صهیونیستی به غزه باتلاقی را برای آنها ایجاد کرد. اگر امروز (ارتش اسرائیل) از غزه بیرون بیاید، به معنای پذیرش شکست است و اگر بیرون نیاید باز هم یعنی شکست خورده است.» سیاست‌های فعلی اسرائیل در حال تأیید استراتژی ایران است. اسرائیل اکنون در حال نبرد در جنگ‌هایی فرسایشی در غزه در مرز شمالی خود است و با درگیری‌های بزرگتری در کرانه باختری مواجه شده است. هر کدام از این منازعات به تنهایی ممکن است به خودی خود دارای توجیه منطقی باشند، اما وقتی همگی هم‌زمان رخ می‌دهند به معنای بازی کردن تحت قواعد ایران است. این بدان معنا نیست که اسرائیل باید اکنون به سراغ جنگ تمام‌عیار با حزب‌الله یا ایران برود بلکه به این معناست که تل‌آویو به یک استراتژی جدید نیاز دارد. گفتن این حرف آسان است. چنین تغییر استراتژی‌ای مستلزم تعدادی از تصمیمات دشوار اما ضروری از سوی بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و دولت‌بایدن است. رئیس‌جمهور بعدی آمریکا باید آماده برداشتن قدم‌هایی باشد که برخی از این انتخاب‌های دشوار را دارای توجیه عقلانی سازد. برای اسرائیل، چنین استراتژی‌ای باید با پایان دادن به جنگ در غزه آغاز شود. دولت بایدن تلاش دارد این اقدام را از طریق دست‌نهایی به یک توافق آزادی گروه‌گان‌ها و زمینه‌سازی برای یک آتش‌بس دائمی تسهیل نماید. هر چند من امید دارم که تلاش‌ها به رهبری آمریکا موفقیت‌آمیز باشد، اما باید یک پلان جایگزین وجود داشته باشد که در آن تمرکز بر پایان دادن به جنگ برای بازگرداندن گروه‌گان‌ها باشد و نه دست‌نهایی به توافق بر سر گروه‌گان‌ها برای پایان دادن به جنگ.

به قید فوریت

مروری بر دلایل اهمیت آغاز فوری گفت‌وگوهای ایران و E۳



فاطمه کلانتری

خبرنگار گروه دیپلماسی

از ماجرای خروج ۱۳ سفیر اروپایی از ایران در بهار ۱۳۷۶ که در پی برگزاری دادگاه میکونوس صورت گرفت، تا امروز که این اتحادیه، ایران را به سبب ادعای فروش تسلیحات نظامی به روسیه برای استفاده در جنگ علیه اوکراین، «تهدید مستقیم اروپا» می‌نامد، روابط ایران و قاره سبز و به‌ویژه سه کشور مهم انگلیس، فرانسه و آلمان که با نام E۳ در سیاست خارجی تهران نقش آفرینی می‌کنند، فرازونشیب زیادی را به خود دیده است. با این حال اما به جرأت می‌توان گفت تنش‌های این روزها روابط ایران و ترونیکی‌های اروپایی را تحت تأثیر قرار داده ابعاد به مراتب خطرناک‌تری را از موارد مشابه در برمی‌گیرد؛ تا جایی که می‌تواند بار دیگر ایران را به موضوع شورای امنیت سازمان ملل ذیل فصل هفتم آن بدل کند. ایران در ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵ و پس از توافق برجام، در چارچوب قطعنامه ۲۲۳۱، از ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد که تهران را «تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی» معرفی می‌کرد، خارج شد چراکه این آخرین قطعنامه با موضوع ایران، شش قطعنامه پیشین از جمله قطعنامه ۱۹۲۹ را به‌عنوان خطرناک‌ترین

آن‌ها ملغی کرد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده، پس از خروج از توافق هسته‌ای تلاش کرد تا با مطرح کردن مجدد موضوع ایران در شورای امنیت، از سازوکار مندرج در برجام برای بازگرداندن قطعنامه‌ها استفاده کند اما هیچ‌یک از اعضای باقیمانده در توافق از این خواست واشنگتن تبعیت نکردند. براساس توافق هسته‌ای در اکتبر سال ۲۰۱۵ اما قطعنامه ۲۲۳۱ پس از ۱۰ سال یعنی در سال ۲۰۱۵ منقضی شده و ایران به‌طور کامل از دستور کار شورای امنیت خارج می‌شود اما امروز و در آستانه اکتبر ۲۰۲۴، سه کشور اروپایی به پشتوانه تنش روزافزون در روابط با ایران، سایه اسنپ‌بک را بیش از گذشته بر روی تهران نگاه داشته‌اند تا هر زمان اراده کنند، با انتقال پرونده ایران از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت، زمان را به عقب بازگردانند.

▼ از نگاه ترونیکی اروپایی

در میانه مذاکرات ایران و ۴+۱ و مذاکرات غیرمستقیم با ایالات متحده در دولت سیزدهم بود که مسکو به بهانه تلاش اوکراین برای عضویت در ناتو و نزدیکی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی

به مرزهای روسیه، تهاجم نظامی علیه کی‌یف را آغاز کرد. تحول جدید اما در ایران به درستی مورد تحلیل و ارزیابی قرار نگرفت تا جایی که رئیس‌جمهور وقت در تماس با ولادیمیر پوتین، ضمن ابراز امیدواری مبنی بر اینکه آنچه اتفاق می‌افتد، به نفع ملت‌ها و منطقه تمام‌شود، گفت: «گسترش ناتو تهدیدی جدی علیه ثبات و امنیت کشورهای مستقل در مناطق مختلف است». روسیه اما پاسخ این حمایت تهران را با سنگ‌اندازی در مسیر مذاکرات پاسخ داد تا روند احیای برجام از ریل اصلی خود خارج شود.

کی‌یف نیز که از همان ماه‌های نخست آغاز جنگ مدعی همراهی تسلیحاتی ایران با روسیه بود، در اواسط سپتامبر ۲۰۲۲ تصاویری را در حساب توییتر وزارت دفاع خود همراه با پرچم ایران و روسیه منتشر کرد که نشان می‌داد قطعات پهپاد ایرانی شاهد ۱۳۶ را در منطقه خارکیف کشف کرده است. در متن نوشته شده بود: «اتحاد کامل دو مستبد». پس از آن ولودیمیر زلنسکی در پیامی مدعی شد که بخشی از پهپادهای مهاجم در جنگ اوکراین، پهپادهای شاهد ۱۳۶ ساخت ایران هستند. تهران در واکنش به این خبر، پس از انکار دو ماهه، سرانجام واقعیت حضور پهپادها را پذیرفت اما اعلام کرد که این تسلیحات «ماه‌ها قبل و پیش از جنگ اوکراین» در اختیار روسیه قرار گرفته است. رسانه‌های غربی از همان زمان، موضوع اراده ایران برای فروش موشک‌های بالستیک را نیز مطرح کردند که در نهایت ۶ سپتامبر، وال استریت ژورنال به نقل از مقامات اروپایی و آمریکایی مدعی شد که «ایران موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد را به روسیه ارسال کرده است». این بار نیز در همان ابتدا نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در نیویورک به این موضوع واکنش نشان داد و اعلام کرد که «موضوع ایران در قبال منازعه اوکراین تغییر نکرده و ارسال کمک نظامی به طرفین که به گسترش خسارات انسانی و فاصله گرفتن از گفت‌وگوهای آتش‌بس منجر می‌شود را غیرانسانی می‌داند».

ابعاد تنش در روابط ایران و غرب تا جایی پیش رفته است که در آوریل ۲۰۲۴، نینس استولتنبرگ، دبیرکل ناتو گفت که رژیم‌های خودکامه مانند روسیه، چین، ایران و کره شمالی به‌طور فزاینده‌ای با یکدیگر همکاری می‌کنند تا «محور شرارت» را علیه دموکراسی‌های غربی تشکیل دهند. او همچنین در جای دیگری، این ۴ کشور را «محور خودکامگان» نامیده بود.

دبیرکل ناتو، در افتتاحیه نشست سران این پیمان نظامی در آمریکا نیز گفت پیروزی روسیه، شاید ایران، چین و کره شمالی را جسورتر کند. استولتنبرگ همچنین بار دیگر ایران، چین و کره شمالی را به حمایت از روسیه متهم کرد و گفت: «همه آنها می‌خواهند ناتو شکست بخورد». در بیانیه پایانی نشست سران ناتو در واشنگتن نیز از آنچه که حمایت نظامی ایران از روسیه در حمله به اوکراین توصیف شده، به شدت انتقاد شده است. در این بیانیه آمده است که از همه کشورهای خواهیم از کمک به روسیه در جنگ اوکراین، به هر شکل ممکن خودداری کنند. هر کسی که کمک به روسیه را تسهیل می‌کند محکوم می‌کنیم. این کشورها، جنگ روسیه در اوکراین را طولانی‌تر می‌کنند. این بیانیه به کشورهای بلاروس، ایران، کره شمالی و چین به‌عنوان کشورهای کمک‌کننده نظامی به روسیه اشاره کرده است.

▼ مشکل روسی مذاکره با اروپا

حمیدرضا عزیزی، تحلیلگر مسائل بین‌الملل و پژوهشگر غیرمقیم در شورای خاورمیانه در امور جهانی در خصوص موانع آغاز گفت‌وگو میان ایران و E۳ به‌رغم اینکه علاوه بر ایران،



سه کشور اروپایی عضو نیز باید بر اهمیت زمان، با توجه به تاریخ مهم اکتبر ۲۰۲۵ واقف باشند، چیست، به هم‌میهن گفت: مسئله اصلی این عمیق بی‌اعتمادی و بدبینی است که طی سال‌های اخیر در طرف اروپایی نسبت به ایران و نقش ایران شکل گرفته است و این تحت تأثیر چند عامل است که از جنگ اوکراین می‌توان به عنوان مهم‌ترین مورد آن نام برد چراکه از ایران به‌طور فزاینده‌ای به عنوان طرف جنگ و نه به عنوان یک بازیگر بی‌طرف در میدان جنگ یاد می‌شود. با وجود صحبت‌هایی که در دولت جدید در ایران مبنی بر عدم ارسال موشک بالستیک به روسیه مطرح می‌شود و آماده است در خصوص نگرانی‌های امنیتی اروپا گفت‌وگو کند اما نباید فراموش کرد که اروپا و خود اوکراین تجربه ناخوشایند چنین گفت‌وگوهایی را با ایران دارند؛ گفت‌وگوهایی که با ادعای عدم ارسال هرگونه پهپادی از سوی ایران برای استفاده در جنگ آغاز شد و در نهایت به اینجا رسید که شواهد میدانی ثابت کرد این پهپادها منتقل شده است و ایران به تأمین‌کننده تسلیحات برای روسیه تبدیل شده است. با در نظر داشتن آن موضوع طبیعتاً حالا که ایران بر روی عدم انتقال موشک‌ها تأکید دارد، باز هم با توجه به همکاری‌های نظامی تهران و مسکو، طرف اروپایی نمی‌تواند متقاعد شود که این گفت‌وگوها بتواند یک نتیجه عینی را به همراه داشته باشد. این مسئله اصلی و اولین مانع است.

